

نگاهی بر حقوق زن از منظر اسلام و حقوق بین الملل و جایگاه آن در حقوق کیفری

ایمان حیدری

دانشجوی رشته حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مجازات زنان در حقوق کیفری اسلامی و حقوق بین الملل انجام شد. اسلام نسبت به حقوق زن و مرد دیدگاه متساوی و متعادلی دارد. اما شرایط و ویژگی‌های فیزیکی مختلف این دو جنس متعاقبا حقوق و وظایف خاصی را برای آنها به دنبال دارد. در این میان یکی از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه بین‌المللی، احترام به حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. کشورها تلاش کرده‌اند در وضع قوانین و مقررات داخلی خود تا آنجا که شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر نگرشهای داخلی اجازه می‌دهد از رهنمودها و دستاوردهای جامعه بین الملل استفاده کنند.

روش انجام این تحقیق، کیفی، از نوع توصیفی، مبتنی بر تعالیم اسلامی و منابع بین‌المللی حقوقی است، که ابتدا با مراجعه به منابع اسلام، به تعریف حق و مجازات و سپس مقایسه با دیدگاه‌های بین‌المللی مرتبط پرداخته شد، سپس با استفاده از تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل اطلاعات صورت گرفت.

واژه‌های کلیدی: حقوق بین‌الملل، زنان، قانون، مجازات اسلامی

مقدمه

آشنایی با حقوق زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه انسانی از جمله موضوعاتی است که متفکران و اندیشمندان گوناگون به تناسب علایق و تخصص خود به آن می پردازند. موضوع «حقوق سیاسی زنان» یکی از این موضوعات بوده، چرا که یکی از مهم ترین شاخص های پویایی و توسعه سیاسی یک جامعه حضور زنان در مشارکت اجتماعی و سیاسی آن جامعه می باشد.

مواد ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می دارد که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند، از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و از تمام حقوق و آزادی های ذکر شده در اعلامیه بهره مند می گردند. بند ۱۵ اعلامیه ۱۹۶۸ کنفرانس بین المللی حقوق بشر تهران صریحاً آپارتاید جنسی را رد می کند و اظهار می دارد «تبعیضی که زنان همچنان در مناطق مختلف جهان قربانی آن هستند باید از بین برود. منزلت مادون برای زنان قائل شدن، مغایر منشور ملل متحد و نیز موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر است» (متین دفتری، ۱۳۴۸: ۳۷۱-۳۷۴)

زنان در کنار مردان از حیث استعداد و توانایی سرمایه انسانی را می سازند. اما از نظر قوانین و مقرراتی که ترسیم کننده جایگاه حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه انسانی است، سرمایه اجتماعی محسوب می شوند. زیرا سرمایه اجتماعی همانا توانایی جمعی جامعه در استفاده از منابع در جهت مصلحت و خیر عمومی است. و روشن است هر قدر جایگاه و نقش زنان در حیات اجتماعی، به گونه ای عقلانی و عادلانه تنظیم گردد، به همان اندازه بر ظرفیت و توانایی جمعی جامعه در استفاده بهینه از منابع برای خیر همگانی افزوده می شود و میزان همیاری و انسجام اجتماعی توسعه و تقویت می یابد.

حق

تعریف لنوی: در لغت به معنای، ثابت و ضد باطل است. همچنین در لغت، به معنای صواب، حقیقت، سزاوار، اسلام، واجب، مرگ و غیره آمده است. (ارجمند، ۱۳۷۸)

تعریف اصطلاحی: در فقه، اصطلاحاً نوعی سلطنت است بر چیزی متعلق به عین، مانند حق تحجیر، یا متعلق به غیر عین، چون حق خیار، یا سلطنت متعلق به شخص، مانند حق قصاص. پس حق، مرتبه ای ضعیفی از ملکیت است، بلکه نوعی از ملکیت است. بنابراین حق، عبارت است از هر امر ثابت، اعم از واقعی و نسبی. پس خدا را حق گوئیم، زیرا ثابت و واقعی است. و قرآن را حق گوئیم، به اعتبار ثبوت آن از طرف خدا. و کاری که واقع و ثابت می شود، حق می گوئیم، زیرا عقل مایه ی ثبات و بقاء چیزهاست. در میان فقهای شیعه، شاید نخستین تعریف اصطلاحی حق از محقق شیخ انصاری باشد. وی می گوید: حق، عبارت است از نحوه ای از سلطه و توانایی، که در پرتو آن صاحب حق می تواند مصلحتی را برای خود بدست آورد. آیت الله محمد کاظم یزدی در حاشیه ی خود بر مکاسب شیخ انصاری می گوید: حق، مرتبه ای ضعیفی از ملکیت، یا نوعی از ملکیت است. و در جایی دیگر می فرماید: حق، نوعی از سلطنت است، یعنی قدرت

بر تصرف یا اعمال یا به دست آوردن چیزی است که قانون آن را به شخص یا اشخاص معینی، اعطاء کرده است. مانند حق قصاص، آیت الله خمینی می فرماید: حق، یک ماهیت اعتباری است، که در پاره ای از موارد عقلانی، و در برخی از موارد، شرعی است. مانند اعتباری بودن ملکیت، و حق، از احکام وضعی است. و بی گمان دارای یک ماهیت است، در همه ی افراد و مصادیق گوناگون آن. و می توان آن را مشترک معنوی دانست، میان مصادیقی که دارا است. بین حق و حکم فرق وجود دارد. جمع حق، حقوق است. حقوق در شرع مقدس اسلام، تقسیم می شود به:

الف) حقوق الهی یا حق الله.

ب) حقوق مردم یا حق الناس.

ج) حقوق مشترک بین حق الله و حق الناس. (ارجمند، ۱۳۷۸)

۱-۲ حقوق سیاسی زنان از منظر اسلام

اسلام در کنار حقوق مالی، اقتصادی، اشتغال، و آموزش توجه خاصی به حقوق سیاسی زن نموده و در مسائل سیاسی و اجتماعی برای زنان شخصیت حقوقی پیش بینی نموده چرا که زنان نقش چشم گیری در تاریخ و تحولات جامعه خود ایفا نموده اند. در تاریخ اسلام شواهد فراوانی از مداخله ی زنان در امور سیاسی وجود دارد. در واقع حقوق سیاسی زنان دارای مبانی فقهی می باشد که در ذیل به طور مختصر به آن می پردازیم:

۱-۱-۲ حقوق سیاسی زنان در قرآن

در ذیل به چند آیه که در مورد حقوق سیاسی زنان در قرآن آمده است، اشاره می شود:

امر به معروف و نهی از منکر آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر نمونه بارز مشارکت همگانی زن و مرد در جامعه است. آیه ۷۱ سوره توبه می فرماید: «مردان و زنان با ایمان ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می نمایند و...». با توجه به این آیه خداوند مهمترین مسئولیت جامعه اسلامی را که همانا امر به معروف و نهی از منکر است، بدون تبعیض بر دوش زن و مرد گذاشته است.

بیعت

آیه ۱۲ سوره ممتحنه اشاره به بیعت زنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از فتح مکه دارد. «یا ایها النبی إذا جاءك المومنات بیا یعنک علی لا یشرکن بالله...» ای پیامبر هر گاه زنان مومن پیش تو آمدند با آنان بیعت کن به شرطی که به خداوند شرک نوزند...» قرآن کریم بیعت با حکومت را که بارزترین فعل و حق سیاسی است برای زنان پذیرفته و عرصه های مختلف تاریخ صدر اسلام نشان دهنده این عمل سیاسی از طرف زنان است. داستان ملکه سباء از دیگر آیات قرآن که مربوط به حقوق سیاسی زن است. داستان

ملکه سبا و حکومتش است؛ که در آن آیه از زن به عنوان رأس قدرت در جامعه اسلامی به خوبی یاد می‌کند. از سوی دیگر آیات قرآنی وی را فردی اهل رأی و نظر و شور و مشورت و حق طلب معرفی می‌کند، چرا که وقتی نامه سلیمان به او رسید با درایت به حل مشکل پرداخت و به سلیمان گروید. «قالت رب انی ظلمت نفسی و أسلمت مع سلیمان الله رب العالمین؛ گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم و اینک با سلیمان در برابر خدا پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» (نمل / ۴۴) بسیاری از صاحب نظران به این داستان تمسک کرده و تصدی زن در بالاترین مناصب سیاسی را روا دانسته‌اند. (مصطفوی، ۱۳۸۹: ۱۰۴ - ۱۰۳)

۲-۲ منشور بین‌المللی حقوق زنان

مقدمه و ۳۰ ماده کنوانسیون یا منشور ۱۹۷۹ که یکی از ده‌ها سند بین‌المللی در مورد حقوق زن و اعمال تبعیضات مختل ناروا علیه اوست در راستای اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین) میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (بر حقوق اساسی بشر و مقام و منزلت هر فرد انسانی صرف نظر از جنس، تأکید برابری حقوق زنان و مردان را در زندگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته و تنها راه تشکیل نظام مرفعی بین‌المللی را بر اساس مساوات و عدالت در استیفاء برابری بین مردان و زنان می‌داند. به طور کلی باید گفت کنوانسیون انسان را به عنوان انسان صرف نظر از جنس دارای حقوق می‌شناسد. از نظر این کنوانسیون «تبعیض» عبارت است از هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت مبتنی بر جنس که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، هدفش از اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها، اثر مخرب دارد یا اصولاً بین بردن این وضعیت برابر است. پاره‌ای از اصول و حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون بین‌المللی عبارتند از: برابری حقوق زن و مرد در کلیه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛ جایز نبودن تبعیض علیه زنان در کلیه اشکال و توسط هر فرد، سازمان یا شرکت؛ تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به طور کلی در تربیت کودکان؛ لغو مقررات کفیری دربردارنده تبعیضات علیه زنان؛ انجام اقدامات الزم جهت حمایت از زنان باردار و مادران؛ از میان برداشتن تعصبات، سنت‌ها و روش‌های مبتنی بر طرز فکر پست‌نگری و یا برتری‌نگری جنسی و یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان؛ جلوگیری از سوءاستفاده از زنان و استثمار آنان؛ اعطای حق شرکت به زنان در کلیه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی در تمام ارگان‌های منتخب مردمی؛ آزادی انتخاب حرفه و شغل و رفع تبعیض شغلی علیه زنان و برقراری امنیت شغلی و آزادی انتخاب محل اقامت و سکونت؛ ایجاد امکانات و شرایط مساوی با مردان در زمینه شغلی و

حرفهای و در جهت اخذ مدرک تحصیلی از موسسات آموزشی در کلیه رشته‌ها و امکانات استفاده از بورس‌ها و سایر مزایای تحصیلی مشابه؛ ایجاد امکانات مشابه برای شرکت فعال زنان در امور ورزشی و تربیت بدنی؛ حق زنان در استفاده از بیمه‌های اجتماعی مختلف از جمله بازنشستگی، بیکاری، بیماری و دوران پیری؛ رعایت اصول بهداشتی برای حفظ سلامتی زنان خصوصا در دوران بارداری و در محیط کار؛ تغذیه مناسب زنان و انجام خدمات رایگان در دوران بارداری و دوران شیردهی نسبت به آنان؛ توجه به رفاه اقتصادی زنان و تسهیل دسترسی آنان به وام‌ها و اعتبارات مختلف تکنولوژی مناسب خصوصا در مورد زنان روستایی؛ تساوی زنان با مردان در اهلیت قانونی، انعقاد قرارداد، اداره املاک و شرکت در مراحل مختلف دادرسی در دادگاه‌ها و محاکم؛ برخورداری زنان و مردان از حقوق مساوی و یکسان در مورد انتخاب آزادانه همسر و حقوق و تعهدات مشابه در طی دوران زناشویی و پس از جدایی و تصمیمگیری نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری، قیومیت، حضانت، سرپرستی و فرزندخواندگی و تشکیل کمیته رفع تبعیض علیه زنان، جهت اجرای مفاد این کنوانسیون که از میان کارشناسانی که دارای صلاحیت نمایندگی هستند و از اشکال مختلف و نظام‌های حقوقی جهان (کامن ال یا حقوق عرفی و حقوق رومی ژرمنی) می‌باشند حضور داشته باشند.

قبل از تصویب کنوانسیون مذکور اسناد معتبر بین‌المللی دیگری در جهت تساوی حقوق زن و مرد وجود داشت، ولی جهت تأکید، تضمین و رعایت بیشتر و بهتر حقوق زن کنوانسیون جدید به عنوان اولین سند جهانی منع کلیه اشکال تبعیض با روش‌های موثرتر حمایتی و اجرایی به تصویب رسید. تا آبان ماه ۱۳۸۳ تعداد کشورهای تصویب‌کننده کنوانسیون به ۱۷۹ کشور یعنی ۹۰ درصد اعضای سازمان ملل متحد رسیده است. «امارات متحده عربی» آخرین کشوری است که این کنوانسیون را در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۴ تصویب کرده است. جالب توجه است که از مجموع ۵۶ کشور اسلامی تاکنون ۴۲ کشور از جمله افغانستان، مصر، اندونزی، عراق، لیبی، سوریه، اردن، بنگالدش و نیجریه، کنوانسیون را تصویب کرده‌اند.

۳. مجازات

تعریف لغوی: پاداش نیکی یا بدی را دادن، سزای بدی را دادن (معین، ۱۳۴۵).

تعریف اصطلاحی: واکنش سرکوب‌گرانه‌ای است که دولت در برابر ارتکاب جرم از خود نشان می‌دهد پیداست که ما در مقام به دست دادن تعریفی کامل از مجازات، که خود مناقشه‌برانگیز است، نیستیم. روشن ساختن معنای مجازات در این جا، از آن رو با اهمیت است که در ادبیات دینی افزودن بر مجازات به معنای پیش گفته مفاهیمی دیگر نیز وجود دارد. در متون اسلامی، آثار گوناگونی که بر گناه و نافرمانی خداوند مترتب می‌شود کیفر و عقاب و مجازات نامیده شده است. اصطلاحی که در حقوق جزای اسلام برای

مجازات وضع گردیده و استعمال می‌شود عبارت است از حد که جمع آن حدود است و آن کیفرهایی است که شارع مقدس و کتاب و سنت در مقابل برخی از گناهان کما بلکه احیاناً کیفاً تعیین نموده است. گناهایی که کیفر آن از طرف شارع مقدس تعیین شده است و عبارتند از: زنا، سحر، قیادت، قذف، نوشیدن مسکر، دزدی، محاربه، ارتداد و چند گناه دیگر (نوبهار، ۱۳۸۹).

جرم

تعریف لغوی: در لغت به معنای قطع کردن است. یا به قول راغب اصفهانی، اصل جرم عبارت است از کندن و قطع درخت از میوه، و آنگاه برای هر کسب و کار زشت و مکروه، به طور استعاره به کار می‌رود. و به معنی وادار کردن به کاری ناپسند، نیز هست (ارجمند، ۱۳۷۸).

تعریف اصطلاحی: اصطلاحاً جرم در فقه عبارت است از انجام دادن فعل، یا بر زبان راندن سخنی که اسلام آن را حرام شمرده است. و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است. یا ترک فعل یا قول، که قانون اسلام آن را واجب شمرده است، و بر ترک آن، کیفری مقرر داشته است. برخی از فقهاء جرم را مترادف جنایت می‌دانند. اما جرائم را می‌توان به اعتبار مجازات معین شده در شرع اسلام، به چهار قسمت تقسیم کرد:

الف) جرایمی که مجازات آن‌ها حد است.

ب) جرایمی که مجازات آن‌ها قصاص است.

ج) جرایمی که مجازات آن‌ها دیه است.

د) جرائمی که مجازات آن‌ها تعزیر است.

۱-۳ مجازات کیفری زنان از دیدگاه اسلام

قرآن کریم اصل پرداخت دیه به خانواده مقتول را در مورد قتل غیر عمدی تشریع نموده و آن را مقرر کرده است ولی نه میزان آن را تعیین کرده و نه اشاره‌ای به تفاوت بین زن و مرد نموده است. البته از دیه مربوط به نقص عضو و جراحت وارده به اعضای انسانی نیز در قرآن ذکری به میان نیامده است

روایات زیادی از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که مقدار دیه قتل انسان صد شتر قرار داده شده و ظاهراً این حکم، حکم امضایی است؛ یعنی در جاهلیت نیز حداقل در بعضی موارد این وضع رعایت شده و طبق بعضی از نقل‌ها با ابتکار عبدالمطلب، این میزان به عنوان دیه و خون بها تعیین شده و پیامبر (ص) هم آن را پسندیده و مقرر فرموده است. ظاهراً برای تسهیل امر ضمن اینکه اصل در میزان دیه همان صد شتر بوده است اجازه داده شده اجناس دیگری نیز بر حسب مورد و اقتضای وضع مردم و جوامع مربوط در حدی که تقریباً از لحاظ قیمت نزدیک به صد شتر می‌شود، پرداخت گردد. از قبیل یک هزار دینار، ده هزار درهم، دویست گاو، یک هزار گوسفند و دویست دست حله یمانی

در برخی روایات که به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده شده و البته روایات زیادی که از طرق شیعه نقل شده، دیه زن علی الاصول نصف دیه مرد ذکر شده است. چنین به نظر می‌رسد که مساله نصف بودن دیه زن اگر هم استحکام منبع روایی آن از پیامبر اکرم (ص) جای تردید باشد، ولی در بین صحابه این مطلب جافتا شده و تلقی به قبول شده و در واقع این معنی طبیعی می‌نموده که با توجه به نصف بودن سهم الارث زن و نیز نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد، دیه او نصف دیه مرد است

بعضی از فقهای اهل سنت با توجه به اطلاق آیه قرآن کریم و عدم تعرض به نصف دیه زن و نیز اطلاق روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) بخصوص نامه عمرو بن حزم که میزان دیه نفس مؤمنه به طور مطلق صد شتر تعیین شده است، و البد معتبر ندانستن روایاتی که به نصف بودن دیه زن دلالت دارد قائل به تساوی دیه زن و مرد شده‌اند. از میان فقهای شیعه برخی در دلایل نقلی مربوط به نصف بودن دیه زن تردید کردند و به نحوی این تردید خود را ابراز داشتند، ولی در عمل همان نظر نصف بودن را به لحاظ وجود اجماع پذیرفتند. از فقهای معاصر بعضی تمسک به اطلاق قرآن و روایات را در مورد دیه قتل غیر عمدی قویتر دانسته و به مساوات دیه زن و مرد فتوی داده‌اند.

برخی از فقها و مفسرین جدا از روایات و دلایل نقلی، در مقام توجیه عقلی و منطقی نصف بودن دیه زن نسبت به مرد برآمدند، برخی به صراحت ارزش وجودی زن را نصف مرد قلمداد کردند و برخی ضعیف‌تر بودن نقش اقتصادی زن را در جامعه و خانواده، موجب نصف بودن دیه نفس و عضو او دانسته‌اند که بر هر دو توجیه تاملاتی وارد است (مشهدی مرغزاری، زهرا و علی کاربخش راوری، ۱۳۹۳)

گرایشی هم وجود دارد که می‌پندارد هم تعیین دیه به مقدار معین از سوی پیامبر اکرم (ص) و هم نصف قرار دادن دیه زن نسبت به مرد با فرض صحت، حکم حکومتی و مقطعی است نه یک حکم ثابت و الیتغیر و همیشگی اسلامی. حکم قطعی و دائمی همانا، حکم مطلق قرآن کریم است که باید به خانواده مقتول دیه پرداخت شود. به هر حال، این دیه مقدار مالی است که به مناسبت از دست رفتن فردی به خانواده او پرداخت می‌گردد و علی القاعده جنبه جبران خسارت ناشی از فقدان یک انسان دارد (طبعاً در موارد نقص عضو نیز دیه متناسب با خسارت مربوط به صدمه دیدن عضو انسانی است). پیامبر اکرم (ص) در زمان خود و با توجه به مقتضیات وضع محیط و موقعیت اجتماعی جامعه خویش و عرف رایج آنها صد شتر را مناسب دانست و آن را برای جبران خسارت تعیین کرد. تعیین نصف این مقدار برای زن نیز با فرض حث برخی از روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) یا با فرض پذیرش و پیاده کردن امر از سوی صحابه بزرگ با توجه به وضع و نقشی که زنان در آن زمان و محیط داشتند و نوع نگرش و دیدگاهی که بر آنان حاکم بوده، قابل قبول و دارای توجیه می‌باشد و به هر حال معلوم نیست تعیین صد شتر به عنوان دیه نفس و فرضاً نصف آن برای زن، از سوی پیامبر اکرم (ص) به منظور بیان حکم قطعی دائمی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. بلکه حکم اصلی و قطعی همانا پرداخت دیه به میزان معقول و متناسب است، متناسب آن زمان و شاید آن محیط صد شتر و احیاناً نصف آن در مورد زن بوده است و این امر منافات ندارد با اینکه در زمان‌ها و مکان‌های

دیگر با توجه به مقتضیات الزم و در نظر گرفتن وضع جامعه و متحول شدن وضع و نقش زنان، تعیین مقدار دیه به عنوان خسارت ناشی از کشته شدن یک فرد (اعم از زن و مرد) یا صدمه دیدن او با در نظر گرفتن جهات مختلف از سوی دادگاه تعیین شود و از این حیث تفاوتی هم بین زن یا مرد مقتول یا صدمه دیده به صورت یک فرض ثابت وجود نداشته باشد بلکه موردی تصمیم گرفته شود. همان گونه که امروزه طبق قوانین عرفی مسئولیت مدنی انجام می شود و قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب سال ۱۳۳۹ نیز آن را بیان کرده است. (مشهدی مرغزاری، زهرا و علی کاربخش راوری، ۱۳۹۳)

۲-۳ مشخصات و ماهیت اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی با نام رسمی اساسنامه رم درباره دیوان کیفری بین المللی از یک مقدمه و ۱۳ فصل تشکیل شده که در قالب ۱۲۸ ماده تنظیم شده است. اساسنامه با یک سند نهایی که به تاریخچه اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تأسیس دیوان پرداخته همراه می باشد. اساسنامه معاهده ای چندجانبه و بین المللی است که دارای ماهیتی الزام آور بوده و رعایت مفاد آن بر اعضا الزامی است. تاکنون ۱۳۹ کشور اساسنامه مزبور را امضاء نمودند که از این میان ۱۱۴ کشور آن را تأیید و تصویب کرده اند. جرایم تحت صالحیت دیوان، طبق بند ۱ ماده ۵ اساسنامه جرایم نسل کشی The crime of Genocide، جرایم علیه بشریت Humanity Against Crimes، جرایم جنگی war Crimes و جرایم تجاوز The Crime of Aggression تحت صالحیت دیوان قرار دارند. اما به دلیل طولانی بودن بندهای اساسنامه در اینجا فقط به مطالب مطرح شده در خصوص زنان اشاره می کنیم که در بند ۲۲ قسمت (ب) بند دوم ماده ۸ مقرر می دارد: «ارتکاب تجاوز به عنف، بردگی جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری آن چنان که در قسمت ۶ بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تعریف شده است، عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی که نقض فاحش کنوانسیون های ژنو به شمار می رود.»

نتیجه گیری

بسیاری از مسائل زنان در حوزه خانواده و مسایل کیفری به دلیل آن که ریشه فقهی دارند نیازمند توجه جدی فقهای نظام است. در این جایگاه حوزه علمیه که متصدی ارائه چارچوب معرفتی، ارزشی و علمی، تبیین نظام تکوینی اخلاقی و حقوق زنان، ارائه گزاره های دینی، بایدها و نبایدها، اهم و مهم ها، مصالح و مفاسد از نگاه دین و در همه مراحل عهده دار نظارت بر برنامه ها و محصولات از جهت انطباق با موازین دینی هستند و نقش مهمی در به روزرسانی علماء و فقهای دینی متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان و نیازهای جامعه دارند. تا زمانی که نگرش جامعه دینی کشور به سمت تغییر دیدگاه ها براساس مقتضیات

زمان و خواسته های جامعه زنان پیش نرود ارائه هرگونه پیشنهاد در حوزه مسایل کیفری مثمر ثمر نخواهد بود.

در جوامع بین المللی و حقوق داخلی کشورها، موضوع حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. اما درعین حال، خصوصیات و ویژگی های جسمانی و فیزیولوژیکی بانوان باعث شده است تا رویکرد قانونگذاران نسبت به زنان در جریان دادرسی های کیفری متفاوت باشد. هرچند پاسداشت اخلاقیات، صیانت از کرامت انسان ها و حیثیت و شرافت افراد و حفظ امنیت روانی اجتماع می طلبد که در تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرائم بانوان با حساسیت و دقت بیشتری عمل شود و از منظر رویکردی مثبت و حمایتی خاص نسبت به بانوان، به این موضوع نگریسته شود، اما در پرتو این نگرش، شاهد کاستی ها و خلأهای چندی در این زمینه هستیم که رفع آنها از طریق سیاست تقنینی امکان پذیر خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

- میریان، افسانه، رشاد، معصومه. (۱۳۹۶) بررسی تخفیف و تشدید مجازات زنان در حقوق کیفری ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامی) پژوهش اجتماعی، ۹، ۳۴، ۱۰۵-۱۲۰.
- ارجمند، دانش جعفر، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، انتشارات اعظم بناب، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲.
- متین دفتری، احمد (۱۳۴۸) حقوق بشر و حمایت بین المللی از آن، تهران، چاپخانه بهمن.
- معین، محمد، جزا و مجازات قانونی، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵، ص ۳۸۶۶.
- مشهدی مرغزاری، زهرا و علی کاربخش راوری، ۱۳۹۳، زنان و قانون مجازات جدید اسلامی، دومین همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (کتاب قصاص)، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه
- https://www.civilica.com/Paper-NWELAW02-NWELAW02_026.html
- نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرائم جنسی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- ارجمند، دانش جعفر، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، چاپ اول، انتشارات اعظم بناب، ۱۳۷۸.